

کتاب سَفَنیای نبی

مقدمه

سَفَنیای نبی احتمالاً این کتاب را در ۶۲۱ قبل از میلاد مسیح نوشته است. اصلاحات مذهبی که یوشیا، پادشاه یهودا در سال ۶۲۱ ق.م. به راه انداخت، تا حدی نتیجهٔ موعظه‌های سَفَنیای نبی بوده است.

سَفَنیا در این کتاب پیشگویی می‌کند که یهودا مثل اقوام دیگر که خدایان غیر را پرستش می‌کنند به مجازات گرفتار خواهند شد. برعلاوهٔ یهودا، فلسطین، موآب، مصر و آشور نیز مورد قضاوت خدا قرار خواهند گرفت. او به بنی اسرائیل یادآور می‌شود که اگر دوباره به خدا رجوع کنند، می‌توانند از این قضاوت رهایی یابند.

در اخیر کتاب سَفَنیا به شکوه و قدرت بنی اسرائیل می‌پردازد که خداوند مجدداً نصیب این قوم خواهد کرد. آیت ۱۷ فصل ۳ این کتاب انعکاس دهندهٔ محبت بی‌پایان خدا به انسان است که می‌فرماید: «خداوند، خدایت که در تو سکونت می‌کند، قادر و توانا است و ترا نجات می‌دهد. محبت او به تو زندگی تازه می‌بخشد. خداوند از تو راضی است و با سرودها بر تو خوشی می‌کند.»

فهرست مندرجات:

روز قضاوت خداوند: فصل ۱: ۱ - ۲: ۳

سقوط همسایگان اسرائیل: فصل ۲: ۴ - ۱۵

سقوط اورشلیم و بازسازی آن: فصل ۳

به سزای اعمال شان می رسانم. ^۹ آن عده اشخاصی را که مانند بت پرستان عبادت می کنند (یعنی بخاطر ترس از گذاشتن پای بر آستانه از روی آن خیز می زنند) و همچنین کسانی را که دست به دزدی و آدمکشی می زنند تا معابد خدایان خود را از مال دزدی پُر سازند، مجازات

می کنم.»

^{۱۰} خداوند می فرماید: «در آن روز صدای فریاد و ناله از دروازه ماهی در اورشلیم شنیده می شود، آواز فغان و ولولۀ مردم. قسمت دوم شهر و صدای مهیب و هولناک از تپه ها بگوش می رسد. ^{۱۱} ای مردم بازار، فریاد و شیون کنید، زیرا همه تاجران تلف می شوند. ^{۱۲} در آن روز چراغی را گرفته اورشلیم را تفتیش می کنم و اشخاص خودپرست را که می گویند: «خداوند با ما کاری ندارد، نه نیکویی می کند و نه بدی» مجازات می کنم. ^{۱۳} مال و دارائی شان تاراج و خانه های شان ویران می شوند. خانه ها می سازند، اما در آن ها سکونت نمی کنند. تاکستانها غرس می کنند، ولی از شراب آن ها هرگز نمی نوشند.»

^{۱۴} روز بزرگ خداوند نزدیک است و بزودی فرامی رسد. در آن روز جانگداز حتی شجاعترین و قویترین مردان به تلخی گریه می کنند. ^{۱۵} آن روز، روز غضب است. روز سختی و اضطراب، روز تاریکی و ظلمت و روز ابرهای غلیظ و سیاهی مطلق است. ^{۱۶} در آن روز شیپور نواخته می شود و علیه شهرهای مستحکم و برجهای بلند جنگ آغاز می گردد.

کلام خداوند در دوران سلطنت یوشیا (پسر آمون)، پادشاه یهودا، به سِفْنیا نازل شد. (سِفْنیا پسر کوشی، نواسۀ جدلیا، کواسۀ امریا و امریا پسر حزقیا پادشاه بود.)

روز داوری خداوند

^۲ خداوند می فرماید: «من همه چیز را از روی زمین بکلی نابود خواهم ساخت. ^۳ تمام انسانها، حیوانات، پرندگان و ماهیان را از بین خواهم برد. به حیات مردم شیرخ خاتمه می دهم، همه بشر را محو می کنم و حتی یک نفر را هم زنده نمی گذارم.» این کلام خداوند است. ^۴ «مردم یهودا و اورشلیم را به سزای اعمال شان می رسانم و آثار بت بعل و نام کاهنان بت پرست را محو می سازم. ^۵ آنهایی را که بر بامها آفتاب و مهتاب و ستارگان را می پرستند و هم کسانی را که در ظاهر مرا سجده می کنند و به من سوگند وفاداری یاد می کنند، اما در باطن بنام بت مولک قسم می خورند، هلاک می کنم. ^۶ آنهایی را که از پیروی من دست کشیده اند و آن اشخاصی را که در طلب من نیستند و از من راهنمایی نمی خواهند، نابود می سازم.»

^۷ در حضور خداوند متعال خاموش باش، زیرا روز خداوند نزدیک است. او قربانی ای را مهیا کرده است و دعوت شدگان خود را تقدیس نموده است. ^۸ خداوند می فرماید: «در آن روز جزا، رهبران، شهزادگان و همچنین کسانی را که از رسم و رواج بیگانگان پیروی می کنند،

نمی‌گذارد.^۶ کشور ساحلی شما چراگاهی برای چوپانها و طویله گوسفندان می‌شود.^۷ بازماندگان قبیله یهودا کشور شما را تسخیر می‌کنند و در آنجا رمه‌های خود را می‌چرانند و خانه‌های آسقلون را خوابگاه خود می‌سازند، زیرا خداوند متعال از قوم برگزیده خود مراقبت نموده و آن‌ها را دوباره سعادتمند و خوشبخت می‌گرداند.

^۸ «طعنه‌های مردم موآب را شنیده‌ام و دیدم که عمونی‌ها چطور قوم برگزیده مرا تحقیر و مسخره می‌کردند و با غرور می‌گفتند که سرزمین آن‌ها را اشغال می‌کنند.»^۹ بنابراین خداوند قادر مطلق، خدای اسرائیل می‌فرماید: «به حیات خودم قسم که موآب و عمون مثل سدوم و عموره نابود می‌گردند و به یک سرزمین خاززار و گودالهای نمک و ویرانی ابدی تبدیل می‌شوند و بازماندگان قوم برگزیده من سرزمین آن‌ها را تصرف می‌کنند.»

^{۱۰} مردم موآب و عمون بخاطر غرور خود به چنین سرنوشتی دچار می‌شوند، زیرا به قوم برگزیده خداوند قادر مطلق اهانت کرده آن‌ها را مورد تمسخر خود قرار دادند.^{۱۱} خداوند آن‌ها را به بلاهای وحشت آوری دچار می‌سازد و همه خدایان روی زمین را از بین می‌برد. آنگاه تمام اقوام جهان در کشورهای خود او را پرستش می‌کنند.

^{۱۲} ای مردم حبشه، خداوند شما را هم با شمشیر خود هلاک می‌کند.

^{۱۳} خداوند با قدرت خدائی خود آشور را نابود می‌سازد، پایتخت آن، نینوا را

^{۱۷} خداوند می‌فرماید: «مردم را چنان پریشان و درمانده می‌سازم که مثل شخص کور نتوانند راه خود را پیدا کنند، زیرا آن‌ها در برابر من گناه کرده‌اند. خون شان بر خاک می‌ریزد و اجساد شان به روی زمین گنده می‌شوند.»

^{۱۸} در آن روز غضبِ خداوند، طلا و نقره شان نمی‌تواند آن‌ها را نجات بدهد. تمام زمین در آتش غضب او می‌سوزد و همه ساکنین روی زمین با مرگ ناگهانی از بین می‌روند.

دعوت برای توبه

۲ ^{۲۰-۱} ای قوم بی‌حیا، پیش از آنکه مثل گاه در برابر باد رانده شوید، قبل از آنکه روز هولناک غضب خداوند ناگهان برسد و همه چیز را در سر راه خود از بین ببرد، گناهان تان را بیاد آورید و توبه کنید.^۳ ای مردم فروتن این سرزمین که احکام او را بجا می‌آورید، راستکار باشید و با تواضع و شکسته‌نفسی بسوی خداوند بازگردید تا شاید در آن روز غضبِ خود، شما را در پناه خود نگاهدارد.

نابودی اقوام همسایه اسرائیل

^۴ شهرهای غزه، آسقلون و آشدود متروک و از سکنه خالی می‌شوند. اهالی عقرئون از شهر بیرون رانده شده، ریشه کن می‌گردند.^۵ وای بحال شما فلسطینیانی که در ساحل بحر و در سرزمین کنعان سکونت دارید، زیرا شما محکوم به مرگ هستید و خداوند شما را نابود می‌سازد. حتی یک نفر شما را هم زنده

به بیابان خشک و لامزروع تبدیل می‌کند. ^{۱۴} آنجا چراگاه گوسفندان و محل بود و باش هر نوع حیوانات می‌شود. در ویرانه‌های آن جغد و بوم آشیانه می‌کنند و صدای شان از کلکین‌های خانه‌ها بگوش می‌رسد. زاغها در آستانه خانه‌ها آواز می‌خوانند. چوبهای سرو که در بنای عمارات به کار برده شده بودند، از بین می‌روند. ^{۱۵} این شهر که موجب افتخار و محل رفاه و آسایش مردمش بود، عاقبت به این سرنوشت دچار می‌گردد، زیرا این شهر با غرور می‌گفت: «در تمام دنیا مانند من شهر بزرگی وجود ندارد.» اما سرانجام ویران و متروک می‌گردد و لانه و بیشه حیوانات وحشی می‌شود و هر کسی که از آنجا بگذرد، سر خود را تکان داده بحالش افسوس می‌خورد.

گناهان اورشلیم

خداوند می‌فرماید: «من اقوام زیادی را از بین برده‌ام. شهرهای شان را ویران و دیوارها و برجهای آن‌ها را خراب کرده‌ام. شهرها متروک و جاده‌ها از مردم خالی شده‌اند و یک نفر هم باقی نمانده است. ^۷ گمان کردم که مردم از من می‌ترسند و تأدیب می‌شوند و هوشدارهایم را فراموش نمی‌کنند، اما آن‌ها توجهی نکردند و به اعمال فاسد خود ادامه دادند.»

^۸ بنابراین خداوند می‌فرماید: «برای من منتظر باشید، روزی که علیه اقوام جهان برخیزم و آن‌ها را محکوم سازم فرامی‌رسد. اراده من این است که همه سلطنت‌ها را جمع کنم و خشم خود را بر آن‌ها بریزم. تمام دنیا در آتش غضب من گذاخته می‌شود. ^۹ آنوقت به مردم جهان زبان پاک عطا می‌کنم تا فقط نام مرا یاد کنند و تنها مرا بپرستند. ^{۱۰} قوم پراکنده من از ماورای دریاهای حیشه با هدایای خود برای عبادت من می‌آیند. ^{۱۱} در آن زمان شما ای قوم برگزیده من، دیگر از سرکشی‌ها و کارهایی که علیه من کرده‌اید، شرمند نمی‌شوید و تمام مردم متکبر و خودخواه را از میان شما دور می‌کنم. از آن بیعد، دیگر در کوه مقدس من غرور و تکبر وجود نمی‌داشته باشد. ^{۱۲} فقط کسانی که فروتن و متواضع هستند و به من پناه می‌آورند، باقی می‌مانند. ^{۱۳} آن‌ها

۳ وای بحال شهر سرکش، شهر ظلم و نجاست، ^۲ شهری که به صدای خداوند گوش نمی‌دهد و اصلاح‌پذیر نیست. به خداوند توکل نمی‌کند و از او کمک نمی‌طلبد. ^۳ حاکمان و مأمورین آن مانند شیرهای غران و قضات آن مثل گرگهای گرسنه حریص هستند که از شکار خود تا صبح چیزی باقی نمی‌گذارند. ^۴ انبیای آن خودخواه و خیانتکاراند، کاهنانش جایگاه مقدس را نجس می‌سازند و با احکام خداوند مخالفت می‌ورزند. ^۵ خداوند هنوز هم در آن شهر حضور دارد. او عادل و با انصاف است و بی‌عدالتی نمی‌کند. هر صبح بدون

به کارهای زشت دست نمی‌زنند، دروغ
نمی‌گویند، حرف فریبده‌ای از زبان
شان شنیده نمی‌شود. آن‌ها در آرامش و
امنیت زندگی می‌کنند و کسی نمی‌تواند
آن‌ها را برترساند.»

سرود شادمانی

۱۴ ای دختر صهیون، سرود خوشی را
زمزمه کن!
ای اسرائیل، آواز شادمانی را
بلند کن!
ای دختر اورشلیم، به تمامی دل
شادمان شو و وجد نما!
۱۵ زیرا خداوند گناهان ترا بخشیده
و دشمنانت را شکست داده است.
خداوند، پادشاه اسرائیل، همراه
تو است
و تو نباید از هیچ بلائی بترسی.
۱۶ در آن روز به اورشلیم می‌گویند:
«نترس! ای صهیون، دلیر
و قوی باش!»

۱۷ خداوند، خدایت که در تو
سکونت می‌کند،
قادر و توانا است و ترا نجات
می‌دهد.
محبت او به تو زندگی تازه می‌بخشد.
خداوند از تو راضی است
و با سرودها بر تو خوشی می‌کند.»
۱۸ خداوند می‌فرماید: «به غمها و
مصیبت‌هایت خاتمه می‌دهم و دیگر ترا
در نظر دشمنان خوار و حقیر نمی‌سازم.
۱۹ روز جزای کسانی که بر تو ظلم کرده‌اند،
فرامی‌رسد. مردمان لنگ را نجات
می‌دهم و تبعیدشدگان را به وطن‌شان
باز می‌گردانم. ننگ‌شان را به عزت و
افتخار تبدیل می‌کنم و آنوقت تمام دنیا
از آن‌ها تمجید و توصیف می‌کنند. ۲۰ در
آن زمان شما را از همه جا جمع می‌کنم.
شما را در جهان مشهور می‌سازم و در
برابر چشمان خودتان یکبار دیگر شما را
سعادت‌مند و شادکام می‌گردانم.»
این را خداوند فرموده است.

